

کنگره اول سازمان  
جوانان کمونیست  
با موفقیت برگزار شد

صفحه ۴

یک دنیای بهتر

برنامه حزب کمونیست کارگری

به حزب کمونیست کارگری

کمک مالی کنید

رادیو انترناسیونال

۲۵ متر

۱۱۶۳۵ کیلو هرتز

۹ تا ۹:۴۵ شب

بوقت تهران

به دیگران اطلاع دهید

radio7520@yahoo.com

تلفن 0044 7714611099

اطلاعات و پیامگیر رادیو:

0044 208 962 2707

## قتل و جنایت قانون و اخلاق اسلامی است!



است که یک «مرد» باشد، خواسته است که حرم امام رضایش را از وجود «فساد» پاک کند! روزنامه نگاران مردم را شریک هراس ها و نگرانی

صفحه ۲

عمل نکردن در مجازات این زنان بخت برگشته است. هر دو اما پاسدار اخلاقیات و قوانین اسلامی در مجازات این زنان بیگناه و مسئول مستقیم این کشتار ها هستند. روزنامه ها یکی پس از دیگری «شرافت و غیرت اسلامی» قاتل را رمانتیزه کردند. گفتند بیچاره قاتل، که به خفه کردن ۱۶ زن تهیدست مشهد اعتراف کرده، خواسته

گوشه و کنار تهران کشف شد. گفته می شود که این زنان هم در دادگاههای رژیم پرونده کیفر اسلامی مشابه زنان کشته شده در مشهد داشته اند. همه می دانند که جنایت کار محافل و باند های حکومتی است که مستقیم از بالا دستور گرفته اند. جناح راست در وصف قاتل و نفرین قربانیان عریده های اسلامی - اخلاقی می کشد. دو خرداد نگران قانونی

### ثریا شهابی

خبر قتل های زنجیره ای زنان در مشهد و بدنبال آن در تهران، مردم ایران را به التهاب، اندوه و خشم کشانده است. پس از دستگیری «قاتل» اسلامی در مشهد، جنازه دو زن که به همان شیوه کشته شده بودند، در

### وحشت و وحوش اسلامی! صفحه ۴

### گفته های هفته! صفحه ۳

## به کارگران ایران خودرو!

مصطفی صابر



بلا داشته باشند. مطالبه و خواست های کارگران به خودی خود آنقدر از لحاظ علنی قابل دفاع هست که نیازی به این کارها نباشد. با اینهمه، این هنوز نکته تعیین کننده در مورد نامه "جمعی از کارگران ایران خودرو" نیست. موضوع این است که ظاهرا کارگران ایران خودرو "چند سال" است میخواهند "شورا" (و منظور شورای اسلامی است) درست کنند و کارفرما نمی گذارد. روز ۴ مرداد قرار میشود که مجمع عمومی کارگران جهت انتخاب نماینده هیات تشخیص صلاحیت "شورای اسلامی" تشکیل شود و کارفرما با ترفندهای گوناگون و حتی تعطیل کار مانع برپایی چنین مجمع عمومی میشود. از نامه جمعی از کارگران چنین بر می آید که وزارت کار هم با کارفرماست. "جمعی از کارگران" به رئیس جمهور شکایت میبرند و خواهان آن میشوند که وی هیاتی را به کارخانه بفرستد تا از نزدیک بررسی شود چرا از ساعت ۷

صفحه ۳

## تبوتاب کارگری در اصفهان

حسین مرادیگی



دست به تجمع اعتراضی زدند و رسیدگی فوری به مطالبات خود را از جمهوری اسلامی و کارفرمایان خواستار شدند. کارگران کارخانه بارش چند بار تجمع اعتراضی برپا کرده و یک بار جاده اصفهان-تهران را برای چند ساعت مسدود کرده و خواستار پرداخت حقوق عقب افتاده خود شدند. روز ۸ مرداد کارگران کارخانه بافناز، رحیم زاده و پروین همزمان دست به اعتراض زدند. کارگران بافناز خیابان چهار باغ اصفهان را چندین ساعت مسدود کردند، کارگان کارخانه پروین در برابر اداره کار تجمع کردند، و کارگران رحیم زاده در محل کارخانه تجمع اعتراضی برپا کردند. اعتراض این کارگران به عدم امنیت شغلی و پرداخت نشدن دستمزدهایشان بود.

روز دوشنبه ۹ مرداد ماه نیز بیش از ۱۰۰ نفر از کارگران واحد صنعتی "پاتله" واقع در شهرضا از توابع اصفهان جلو در این واحد صنعتی به تجمع اعتراضی دست زدند و خواهان پرداخت

صفحه ۲

در اصفهان کارگران مراکز صنعتی کارخانه به کارخانه به خیابان میایند و دست به تظاهرات و تحصن میزنند. اعتراض از کارخانه ای به کارخانه دیگر گسترش می یابد و هر روز کارگران بیشتری به این مبارزه می پیوندند. تظاهرات کارگران کارخانه سیمین در اسفند ماه سال گذشته که با سرکوب خشن و بیرحمانه نیروی سرکوب جمهوری اسلامی مواجه شد، کارگران را نه تنها مرعوب نکرد که سر آغازی برای گسترش اعتراضات کارگری شد.

روز ۳ تیرماه کارگران کارخانه کوه فرد (کارخانه ناسیونال) در اعتراض به عدم پرداخت حقوق های خود به تجمع اعتراضی دست زده و خواستار رسیدگی فوری به مطالبات خود شدند.

روز ۱۹ تیرماه کارگران کارخانه "کوه فرد" مجددا دست به اعتراض زدند. کارگران این کارخانه مجددا خواهان پرداخت فوری حقوق و مزایای پرداخت نشده خود شدند. کارگران کارخانه "کوه فرد" بار دیگر در ۲۶ تیرماه

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## تب و تاب کارگری در اصفهان

از صفحه ۱

جمهوری اسلامی با سرکوب وحشیانه کارگران سیمین، مانع این کار شد.

کارگران در شرایط فعلی برای تحت فشار قرار دادن هرچه بیشتر جمهوری اسلامی و کارفرمایان و احقاق فوری حقوقشان، باید راههای دیگری را برای برپائی و ادامه اعتراضات متحدانه خود در پیش بگیرند. یکی از این راهها راه انداختن همزمان تجمع اعتراضی در چند مرکز کارگری است. تجمع اعتراضی کارگران کارخانه های بافناز، پروین و رحیم زاده در روز ۸ مرداد نمونه ای است از این تجمعات اعتراضی همزمان کارگران.

گام بعدی در اعتراضات کارگری، گسترش این اتحادها است. ضروری است که کارگران ذوب آهن، پلی آکریل، آب و برق، از مبارزه و تجمعات اعتراضی کارگران در دیگر مراکز کار صریحا پشتیبانی خود را اعلام کنند. در این شرایط کارگران در اصفهان، در تهران و دیگر شهرستانها به اتحاد و همبستگی هرچه بیشتری برای زیر فشار قرار دان حکومت اسلامی احتیاج دارند و نباید این را از همدیگر دریغ کنند. از دیگر اقدامات دامن زدن به مجامع عمومی است، مجامع عمومی در محل کار و زیست، در کارخانه و کارگاه، در محلات. مجامع عمومی ظرف اتحاد و تشکل کارگران و توده مردم معترض و مهمتر از این ظرفی است که کارگران در آن متحد میشوند، نیروی واقعی خودشان را میبینند، اعتماد بنفس پیدا میکنند و قدرتمند تر از گذشته در میدان مبارزه با جمهوری اسلامی و کارفرمایان حاضر میشوند.

حمایت دیگر توده مردم آزادیخواه، زنان و جوانان از مبارزه و اعتراض کارگران در اصفهان و دیگر شهرستانها به اشکال مختلف یکی از راههای قدرتمند کردن اعتراض و مبارزه کارگران و دیگر توده مردم سرنگونی طلب و معترض برای بزانو در آوردن جمهوری اسلامی و پایان دادن به حکومت جنایت و وحشت اسلامی است. ■

کاری تخته میشود. نزدیک به یک میلیون کارگر در شرایط سخت زندگی امروز ماههاست حقوق خود را دریافت نکرده اند و از هیچ امنیت شغلی ای برخوردار نیستند. جمهوری اسلامی از پرداخت حقوق کارگران ظفره میروند، در حالیکه روزی نیست خیر چپاول مالی سران رژیم و "آقازاده ها" از درآمد عمومی کارگران و توده مردم کارکن در روزنامه های وابسته به حکومت نیز پخش نشود. با توجه به بحران اقتصادی موجود، با توجه به ندادن دستمزد کارگران و فقر و فلاکت بی حد و مرز، طبیعی است که اعتراضات کارگری هرچه بیشتری را در پیش داریم. اعتراضات هر روزه و مصمم و پیگیر کارگران در اصفهان آنچنان برجسته است که فرماندهان نیروی ضد شورش جمهوری اسلامی نیز ترسشان را مخفی نمیکند. روزهای گسترش اعتراضات کارگری دارد فرا میرسد. در این مدت فعالین کارگری تلاش فوق العاده زیادی برای حمایت از اعتراض همدیگر کردند، لیکن جمهوری اسلامی با سرکوب و یورش به کارگران عملا مانع این کار شد. از جمله در جریان راهپیمائی کارگران کارخانه سیمین، کارگران برخی مراکز دیگر منتظر بودند که با رسیدن صف کارگران به مقابل کارخانه های آنها، به کارگران سیمین بپیوندند. لیکن قبل از اینکه کارگران بتوانند سر برسند،

فوری حقوق معوقه خود شدند. کارگران کارخانه رحیم زاده مجدداً روز ۱۰ مرداد دست به تظاهرات زدند و یکی از خیابانهای مرکزی شهر را مسدود کردند.

موارد فوق گوشه بسیار کوچکی از اعتراضات کارگری در اصفهان است که اخبار آن در هفته های اخیر به روزنامه های رژیم نیز راه یافته است. افزایش تجمعات اعتراضی کارگران در اصفهان سرکوبگران جمهوری اسلامی را نیز به زیان آورده است. سرتیپ پاسدار "امیرعلی امیری" یکی از فرماندهان نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی (ناجا)، در سخنرانی خود در مورد عواقب ناآرامیهای کارگری در اصفهان به جمهوری اسلامی هشدار داد. روزنامه "انتخاب" نوشت که کارگران کارخانه های اصفهان ماههاست حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند. روزنامه "رسالت" در شماره ۱۱ مرداد، از بروز ناراضی و اعتراض کارگران و کارکنان سازمان صنایع ملی ایران خبر داد و نوشت احتمال تشدید بحرانهای کارگری در شرکتها و کارخانجات وابسته به این سازمان وجود دارد. واقعیت این است که جمهوری اسلامی در بحران عمیق سیاسی و اقتصادی لاینحلی دست و پا میزند. بحران اقتصادی هر روز دارد شدت می یابد، هر روز در کارخانه و مرکز

## قتل و جنایت قانون و اخلاق اسلامی است!

از صفحه ۱

پنجه نرم می کنند، خود را به آب و آتش می زنند تا شکم گرسنه خانواده را سیر کنند، حکم مرگ می گیرند. این حکم یا توسط جوخه های رسمی و قانونی به اجرا در می آید یا مخفیانه و در خفا! اتهامات اسلامی چون «فاحشه، فاسد، ولگرد و هرجایی» که بر پیشانی این تهیدستان زده شده، نام رمز کشتار اسلامی ضعیف ترین و بی پناه ترین زنان جامعه است. این اتهامات قرار است، وجدان بدرد آمده مردم از این جنایات را بی حس کند و مردم را مسخ اسلامی کند. این اتهامات قرار است مردم را نسبت به سرنوشت آن زن فقیر زده در جامعه اسلام زده ایران بی تفاوت کند.

### حادثه جنایی

#### یا قتل سیاسی

قتل زنجیره ای زنان، یک حادثه جنایی با انگیزه شخصی نیست. این یک زنجیره قتل و جنایت سیاسی است. درست مثل قتلهای زنجیره ای نویسندگان، سازماندهندگان و فتوا دهندگان و عاملین این سری از قتل ها هم، آن بالا و در قدرت نشسته اند. برای ساکت کردن صدای اعتراض مردم و برای نجات قاتلین واقعی از تیر رس خشم مردم، رژیم یک «قاتل» معرفی کرد. همه می دانند که این مضحکه برای نجات قاتلین واقعی است. سعید حنایی نامی را پیش انداخته اند که شبکه حکومتی پشت آن را استتار کنند.

به این ترتیب می خواهند به مردم بگویند که دیگر پرونده این جنایت را ببندید و آن را دنبال نکنند! اما کسی این دلقت بازی شنیع و مسخره را باور نمی کند. همه می دانند که این تلاشی برای بستن پرونده قتل های زنجیره ای زنان بیگناه و تهیدست مشهد است. مردم جنایتکاران را بهتر از این ها می شناسند!

\* به نقل از رادیو بی بی سی، بخش فارسی، برنامه شبانگاهی، ۳۰ ژوئیه سال ۲۰۰۱

های خانواده «قاتل» کردند. اعتراف کردند که تاثیر این کشتارهای اسلامی در بقیه شهرها «مطلوب» بوده است. مقامات و روزنامه های نوکر، از «قاتل» شخصیتی «دلسوز به حال جامعه» ساختند و از مقتولین چهره های «فاسد!» به «قاتل» جایزه «وجدان و اخلاق و شرافت» اسلامی دادند و مقتولین را «مفسد» معرفی کردند. قاتل را به مرتفع ترین سکوی بزرگ «قهرمان اسلامی» پرتاب کردند. با خواندن و شنیدن روایت هر یک از مقامات در مورد این قتل ها، به سادگی میتوان تصور کرد که جنایت می تواند کار هریک از آقایان و خانم های حکام اسلامی و نشسته بر مسند قدرت در این نهاد و آن وزارتخانه باشد. حتی برای تظاهر هم که شده نمی توانند همدردی شان با قاتل و نفرت از زنان به قتل رسیده را پنهان کنند.

قالیباف فرمانده نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی اعلام کرد که ۱۹ زن به قتل رسیده در مشهد که متهم به تن فروشی اند، شاکمی خصوصی ندارند! او گفت، «از آنجا که این زنان سالها از محیط خانواده طرد شده بودند، حتی پس از قتل نه تنها خانواده مقتولین شکایتی نکردند بلکه حاضر به تحویل اجساد آنان نیز نبودند». اما لابلای خروار خروار تبلیغ شنیع بنفع قاتل و علیه قربانیان، ذره ای از واقعیت نمایان شد.

آفتاب یزد نوشت: قاضی پرونده می گوید: وقتی به خانه یکی از مقتولین رفتیم، در محیطی کثیف پدر و پسری که در نهایت فقر بسر می بردند را دیدیم. پدر که خبری از مرگ دخترش نداشت، گفت که چند روزی است دخترم نیامده، ما هم چیزی برای خوردن نداریم. پسر کوچک او از گرسنگی داشت پلاستیکی را میخورد! بی تردید پرونده زندگی بقیه زنان قربانی کشتارهای اسلامی هم همینطور دردناک است. در جمهوری اسلامی زنان بیگناه و بی پناهی که با فقر دست و

آذر مدرسی رئیس هیات دبیران 0049-172 7823746

اصغر کریمی دبیر کمیته خارج 0044-771 4097928

رحمان حسین زاده-دبیر کمیته کردستان:

0046-739 855 837

مریم نمازی: روابط عمومی حزب

Tel: 00447719166731 - Fax: 00448701351303

شهلا دانشفر: دبیر خانه حزب 00447950517465

هاله طاهری، مسئول دبیرخانه کمیته کردستان:

0046 73 61 62 211

بهروز مدرسی - دبیرسازمان جوانان کمونیست:

0049172 295 7603

## علی جوادی

## گفته های هفته!



## اندونزی در اسارت ناسیونالیسم و مذهب:

عبدالرحمان وحید رئیس جمور اسلامیست اندونزی در هفته گذشته توسط پارلمان این کشور برکنار شد. تلاش وحید برای انحلال پارلمان و اعلام "جهاد" بمنظور جلوگیری از خلع ید خود با دخالت ارتش اندونزی و شکست منتج شد. مگاواتی سوکارنو دختر دیکتاتور پیشین اندونزی به جای او منصوب شد. این جابجایی در هیئت حاکمه یک شکست نسبی برای اسلامیستها و یک پیروزی برای ناسیونالیستهای اندونزی است. اندونزی چهارمین کشور پرجمعیت جهان اکنون در چنگال ناسیونالیسم و مذهب اسیر است. جنگهای سیاه مذهبی، قتل عامهای قومی و ملی، کشتار و سر به نیست شدن مردم توسط نیروهای نظامی و شبه نظامی و فقر و فلاکت ناشی از بحران اقتصادی سرنوشت مردم اندونزی را رقم میزند. اسلامیستها در آنچه خواهان برپایی حکومت اسلامی اند. ناسیونالیستهای جافای شرقی و سوماترای شمالی درگیر جنگ با ناسیونالیسم "تمامیت ارضی خواه" اندونزی برای جدایی اند. قتل عام اسلامیستها و مسیحیستها از یکدیگر و از مردم بیگانه یک اتفاق روزمره است. پوسو اخیرا شاهد نمونه‌های دهشتناک از پاکسازی مذهبی بود. اما این سیکل خشونت و نفرت و خونریزی با به قدرت رسیدن مگاواتی نشانی از فروکش کردن ندارد. مگاواتی یک ناسیونالیست افراطی پرو غربی است. ناسیونالیسم در کنار و در مقابله با اسلامیستها خود از محرکین اصلی خلق چنین فجایعی است. محبوبیت کنونی او در نزد ژنرالها ارتش و حمایت حزب "گلکار" (حزب سوهارتویستها) در این شرایط ناشی از این همخوانی نزدیکی سیاسی است. پرداختن به عوامل موجد این وقایع بدون بررسی نقش آمریکا و غرب در این رابطه ممکن نیست. آمریکا رسماً در قتل عام گسترده و خونین

## حجاریان در وادی استیصال:

در طیف اکثریتی-توده‌ایها و تلاش برای علم کردن پرچم ناسیونالیسم بیانگر چنین توهم و استیصالی است. حجاریان در نامه نگاریهای اخیرش بطور آشکاری از پرداختن به اسلام و اسلامیسم پرهیز کرده است. کلامی از اسلام و جنبش اسلامی و ایدئولوژی اسلام به میان نیارده است. و این تصادفی نیست. دوم خرداد، قبل از هر چیز جنبشی مبتنی بر ایدئولوژی اسلامی است. جنبش اسلام سیاسی اکنون به گواه همه شواهد عینی شکست خورده و روزهای آخر عمرش را از سر میگذراند. حجاریان در چگونگی جویبهاش به این شکست تن داده است. اما تلاش کرده است که خود و جنبشش را باز تعریف کند. تلاش کرده است، "جنبش اصلاحات" را بر مبنای "مغز متفکر" دوم خرداد در تلاش برای باز تعریف خود و جنبشش پرچم ناسیونالیسم را بدست گرفته است! اما این تلاش کودنانه است. بیانگر اوام و تصورات خیالی است. حجاریان با شکست جنبش اسلام سیاسی به آخر خط میرسد. او از این پس تنها میتواند نظاره‌گر پراکندگی بیشتر نیروهای صفوف و شکست کامل جنبشش باشد. این شکست محتوم بود، چرا که مردمی به وسعت جامعه ایران از اسلام و حکومت اسلامی خدا در زمین متنفرند و برای مرگش حرکت عظیمی را آغاز کرده‌اند. حجاریان و جنبش دوم خرداد شکست خوردند. این شکست بخشی از سیر فروپاشی و سرنوشتی رژیم اسلامی و قدرت گیری کمونیسم کارگری در ایران است. در این میان سرنوشت حجاریان تفاوت چندانی با سرنوشت سایر ایدئولوگها و سازماندهان ماشینی ترور و آدمکشی و فاشیسم در سایر نقاط جهان نخواهد داشت. آینده حجاریان از هم اکنون رقم خورده است. روزی که بخاطر جایگاه و نقشش در رژیم اسلامی در دادگاهی مردمی به محاکمه کشیده شود چندان دور نیست. پرونده سیاسی توده‌ای-اکثریتی‌ها هم با سقوط رژیم اسلامی تماما بسته خواهد شد!

نامه‌های سعید حجاریان در زمینه علل "امواج مهاجرت" از ایران و "فرار مغزها" از کشور از بسیاری جهات قابل تامل است. این گفته‌های حجاریان طیف خودپسند توده‌ای-اکثریتی را ناراحت و عصبانی کرده است. معترضند که چرا حجاریان "مهاجرت" آنها را ناشی از ضعف "میهن پرستی"شان قلمداد کرده است؟ چرا فداکاری‌هایشان در دفاع از دوم خرداد و رژیم اسلامی را نادیده انگاشته است؟ ملتسمانه میگویند چرا جریان "که پرچم ایران برای همه ایرانیان" را بلند کرده است، حداقل جایی برای این طیف "فدائی" دوم خرداد در تحلیل‌هایش باز نکرده است؟ و فغان سر داده‌اند که "وای به حال اصلاحاتی که مغز متفکرش چنین باشد!" از یکطرف اعتراض میکنند و از طرف دیگر التماس و زاری. این موقعیت قبل از هر چیز نشانگر وضعیت در هم ریخته جنبش دوم خرداد و یاس و ناامیدی نیروهای این جنبش ارتجاعی است. اما این تنها گوشه‌ای از معضلاتی است که نیروهای دوم خرداد با آن مواجهند. آیندشان از وضعیت کنونی‌شان تیره تر است. حجاریان "مغز متفکر" یک جنبش ارتجاعی-اسلامی است. جنبشی که در عرصه تقابل جنبشهای اجتماعی در ایران اکنون پرچمش بجاک افتاده است. این آینده قابل تصور بود. جنبش دوم خرداد به آخر خط خود رسید. قابلیت و ارزش مصرفش برای کنترل اعتراضات اجتماعی را اساساً از دست داده است. از سمبلش، خاتمی، "عبور" شد. دوم خرداد تحلیل رفت. کوچک شد. اکنون اساساً یک جناح از رژیم ارتجاع اسلامی است و نه یک جنبش مطرح ارتجاعی. این شکست مسلماً معنای معینی برای حجاریان "مغز متفکر" این جنبش بدنبال خواهد داشت. او "قهرمان" یک جنبش ارتجاعی شکست خورده است. جنبشهای ارتجاعی هم قهرمانان خود را دارند. و قهرمانان شکست خورده را تنها توهمات و اوامشان میتواند زنده نگهدارد. پاسخ حجاریان به "برادران فرهیختماش"

## از صفحه ۱ به کارگران ایران خودرو!

بامداد شرکت تعطیل است و چرا امکان برگزاری انتخابات فراهم نشده" است. و رونوشت نامه هم برای کمالی وزیر کار و محبوب رئیس خانه کارگر فرستاده شده است. تقاضای تشکیل شورای اسلامی بهیچ وجه نمی تواند و نباید خواست کارگران باشد. تلاش برای متشکل شدن، که همیشه از جمله در ایران خودرو بوده و حالا هم تحت شرایط سیاسی جدید شدت یافته است، باید مسیر دیگری طی کند. باید کارگران مجمع عمومی شان را تشکیل بدهند و تشکل واقعی شان را به کارفرما و دولت تحویل کنند. حتی اگر نویسندگان نامه خود طرفدار خانه کارگر و رئیس جمهور نباشند، یعنی دوم خردادی نباشند، این تقاضای آنها عملاً آب به آسیاب آنها و جمهوری اسلامی میریزد. خوب است یادمان باشد که موضوع مشخص این نامه تلاش برای انتخاب نماینده کارگران در "هیات تشخیص صلاحیت" است. یعنی هیاتی که مطابق قانون شوراهای اسلامی کار، عمدتاً متشکل از نمایندگان کارفرما و رژیم است و کاندیدهای کارگران را غربال میکند. این یک شورای نگهبان کوچک برای تشکیل هر شورای اسلامی کار است. کسی که مسلمان نباشد و یا التزام عملی به ولایت فقیه نداشته باشد و نتواند از خوان های دیگر این فیلتر اسلامی ضد کارگری بگذرد، حق شرکت در انتخابات برای شورای اسلامی کار را ندارد. بعلاوه، شوراهای اسلامی کار بنا به قانون و بنا به فعالیت گذشته شان نشان داده اند که

کمونیستها در اندونزی در سالهای ۱۹۶۵ و ۱۹۶۶ در زمان سوکارنو و روی کار آوردن سوهارتو نقش فعال داشت. اکنون نیز سازمان سیا جلوی "غیر محرمانه" کردن و انتشار اسناد آرشیو تاریخی متعلق به این دوره اندونزی را سد کرده است. اخیراً گوشه‌ای از این اسناد بر اثر اشتباه این سازمان منتشر شده است. آمریکا و غرب خود بخشی از صورت مسئله و معضله‌اند. بعلاوه استراتژیستهای آمریکایی اکنون مبلغ کابینه "همه گیر" مگاواتی هستند. مگاواتی اکنون آمین رئیس رهبر "حزب اسلامی" و اکبر تندجوندگ رهبر حزب "گلکار" را در کابینه

دارد. این ترکیب ناسیونالیستها و اسلامیستها و نظامیهای سوهارتویست مورد پسند غرب و از قرار نشانه درایت مگاواتی است. این اوج ایده "دخالته" مردم در سرنوشت خویش در اوضاع سیاسی توسط این بلوک است. از قرار این الگوی توافق شده برای شراکت و سهم بری ناسیونالیستها و اسلامیستها از قدرت حاکمه است. اما این تصور پوچ است. وضعیت کنونی اندونزی پایدار نیست. کسی نمیتواند چندان امیدی به دوام مگاواتی داشته باشد. تعادل و توافق بین اسلامیستها و ناسیونالیستها دراز مدت نیست. ■





## فاتح بهرامی وحشت و وحوش اسلامی!

نیرویش هم پرورد دنبال "بازبینی" و در واقع دنبال نخود سیاه. البته آقای حجازیان اینرا فهمیده است که دیگر اکثریت "بخش عمده جنبش دانشجویی" نیروی دو خرداد نیست و بنابراین شرکت آنها در سیاست خطرناک خواهد بود و نفعی به رژیمشمان نمیرساند. از اینرو ایشان وظیفه دارد در انتهای شکست ماموریت جنبش دو خرداد، که همانا مهار کردن اعتراض علیه حاکمیت جمهوری اسلامی و بتعویق افتادن مرگ آن بود، همدوش با "جناح رقیب" تلاش کند توی خیابان شلوغ نشود، و این البته دلیل اصلی توصیه ایشان به دانشجویان است.

اما اگرچه حکومت اسلامی قصد دارد نمایش قدرقدرتی اش را نشان دهد، حرفهای این دو نفر از سران دو جناح حاکی از اینست که آنان از بحرکت در آمدن مردم وحشت دارند. هر جنایاتی که امروزه مرتکب میشوند و احياناً در آینده بخواهند انجام دهند از سر همین ترس و وحشت است. میشود و میتوان جلو جنایات بیشتر این رژیم را گرفت.

امروز این جمهوری اسلامی است که از مردم میترسد. بنابراین اردوی مخالف جمهوری اسلامی، صف میلیونی کارگران، زنان، جوانان و مردم آزادیخواه باید به این حکومت امان ندهند. نباید این رژیم امکان پیدا کند که مرتکب جنایات بیشتری بشود، باید هر صحنه ای از اعمال جنایتکارانه این رژیم را به اعتراض علیه آن تبدیل کرد و جلو آنرا گرفت، این کاملاً ممکن است. بهر میزانی که مردم صفوفشان را متحد کنند و قدرتشان را نشان دهند جمهوری اسلامی برای سرکوب و ارتکاب جنایت ناتوان تر میشود. باید مردم آزادیخواه برای سرنگونی این حکومت و افسار زدن به اعمال وحشیگری آن متحد و آماده شوند. ■

دیگر جانوران اسلامی که مرتباً در این باره حرف میزنند این است که مردم حکومت اسلامی و ارزشهای اسلامی را نمیخواهند. مسجل شده که دیگر نسل جدید سر آشتی با این حکومت و مبانی فکری و سمبلیکیش ندارد، میبینند زن و مرد و جوان رعایت شئونات اسلامی را نمیکنند، حکومت را جک میکنند و مرتباً میشنوند که "حکومت عدل علی، بیکاری و دربدری است"، و میفهمند که دائماً موجودیتشان تهدید میشود. اما چون راه خروج از بن بست و بحران وجود ندارد و قادر به کنترل اعتراضات مردم نیستند، دارند به ارباب روی می آورند. پیام آقای شاهرودی اینست که میخواهیم حدود و احکام الهی را اجرا کنیم. روشن است که اجرای حدود و احکام، یعنی ارتکاب جنایاتی مانند اعدام و شلاق زنی و امثال آن، جلو گسترش مفاسد اجتماعی را نمیگیرد. اینرا خودشان نیز میدانند. هدف این است که به جامعه اعلام کنند که حکومت اسلامی هنوز سر کار است، که قدرت سرکوب دارد، که هنوز توان جنایت آفریدن دارد. میخواهند اعلام کنند ما هستیم و شما چگونه همه ارکان این حکومت را زیر سوال میبرید. مشکل اینجاست که حکومت در شرایطی نیست که این ارباب تاثیر داشته باشد. با اینوجود میزان اعمال وحشیگری از جانب رژیم به درجه عکس العمل مردم در مقابل آن بستگی دارد.

اما بحث آقای حجازیان از لحاظی جالب است. وقتی دانشگاه و دانشجویان همواره بعنوان یک پایگاه و اتکای مهم جنبش دوخرداد مطرح بوده و دانشجویان و حرکت آنها ابزاری اساسی در مقابل جناح راست و پیشبرد پروژه شان قلمداد میشده، اکنون "مغز متفکر اصلاحات" چرا این نیرو را از دخالت در سیاست برحذر میدارد و چگونه یک "جنبش" را قلفتی دنبال تئوری میفرستد؟ یک دلیل آن پذیرفتن شکست قطعی جنبش دو خرداد است، قرار است

قتلهای زنجیره ای زنان، موج اخیر اعدام و شلاق زدن، و وعده گسترش این جنایات توسط بعضی از سردمداران حکومت فقط نشانه ای از وحشت و وحوش اسلامی است. وحشت از عاقبت اعتراض و مبارزه ای رشد یابنده که حیات رژیم اسلامی را نشانه گرفته است. نه عنتربازی دوازدادی و نه عربده کشی جناح راست مانع گسترش اعتراض کارگران و جوانان و مردم متنفر از اسلام و حکومت اسلامی نشده است. برای همین حکومت از پیشروی این مبارزات هراس دارد چون قادر به سد کردن آن نیست. در چنین اوضاعی رژیم اسلامی، مانند هر حکومت منفور در حال موت، تلاش میکند دست به هر کاری برای بقایش و برای بدرازا کشاندن عمرش بکند. این نمایش وحشیگری جزئی از همین تلاش است. هر دو جناح رژیم، با روشها و اشکال گوناگون، به دست و پا افتاده اند.

جناح راست میبخواهد تصویری سنتی از ابراز وجود حکومت را برجسته کند، یعنی بگیرد، بزند و ارباب کند. در این نمایش، گفتن و تاکید کردن بر میزیم و میکیریم بخشی از سناریو است. شاهرودی رئیس قوه قضائیه از جناح راست گفته است که مفاسد اجتماعی ناشی از عدم اجرای حدود و احکام الهی است و خواهان اجرای آنها شده است. در سمت دیگر، حجازیان در سخنرانی اش در دانشگاه امیرکبیر دانشجویان را به دست کشیدن از سیاست و دنبال تئوری رفتن دعوت میکند. گفته که بیست سال است دانشجویان دنبال سیاست دویده اند و اکنون بس است. هردوی این تلاشها دو روی یک سکه هستند، یعنی تلاش برای "پائین کشیدن قتیله" حرکت اعتراضی علیه جمهوری اسلامی. یعنی تلاش برای اینکه شاید مدت بیشتری از تیررس هجوم مردم در امان باشند.

یک وجه حرف شاهرودی تاکید به وجود و گسترش "مفاسد اجتماعی" است. منظور او و

## کنگره اول سازمان جوانان کمونیست

### با موفقیت برگزار شد

سیاسی ایران، تاکید بر افق مارکسیستی و کمونیستی، تامین رهبری سوسیالیستی در جنبش اعتراضی جوانان و نقد افقهای ارتجاعی اسلامی و ناسیونالیستی بود. کنگره اول سازمان جوانان کمونیست یک نمونه اتحاد و همدلی برای امر آزادی و سوسیالیسم و یک پیروزی دیگر برای جنبش کمونیسم کارگری بود.

کنگره اول سازمان با جدیت به مباحث تعیین شده پرداخت و با تصویب قطعنامه جنبش جوانان و سازمان جوانان کمونیست، اسناد پایه ای سازمان، چند قرار و انتخاب کمیته مرکزی سازمان به کار خود پایان داد. کنگره اول دوازده نفر را برای کمیته مرکزی سازمان انتخاب کرد. رفقا؛ آزیتا ابراهیمی، پگاه احمد زاده، نهمز احمد زاده، فرشاد پویا، امید چوری، سیواش دانشور، مریم طاهری، امیر محسنی، بهرام مدرسی، بهروز مدرسی، سرور ملائکه، مهرنوش موسوی، اعضای کمیته مرکزی منتخب کنگره اول سازمان جوانان کمونیست هستند.

در کنگره اول سازمان ۱۸ نفر از ناظرین به صفوف سازمان جوانان کمونیست پیوستند. کنگره اول سازمان جوانان کمونیست در فضائی پرشور و متحد با سرود انترناسیونال به کار خود خاتمه داد.

در اولین پلنوم کمیته مرکزی بهروز مدرسی بعنوان دبیر سازمان، امید چوری خزانه دار و یک هیئت اجرایی شش نفره متشکل از؛ نهمز احمد زاده، امید چوری، مریم طاهری، بهرام مدرسی، بهروز مدرسی و مهرنوش موسوی انتخاب شدند.

**کمیته مرکزی**  
**سازمان جوانان کمونیست**  
۳۰ ژوئیه ۲۰۰۱

در روزهای ۲۷ تا ۲۹ ژوئیه در سوئد، کنگره اول سازمان جوانان کمونیست، سازمان جوانان حزب کمونیست کارگری ایران، با شرکت بیش از ۱۲۰ نفر از اعضا، نمایندگان و ناظرین از کشورهای سوئد، آلمان، انگلستان، فنلاند، دانمارک و نروژ برگزار شد. در کنگره اول سازمان جوانان کمونیست آذر مدرسی، اسد گلچینی و کورش مدرسی از هیئت دبیران حزب کمونیست کارگری ایران شرکت داشتند.

جلسه روز اول به تاریخچه حزب کمونیست کارگری ایران اختصاص داشت و سخنران آن کورش مدرسی بود. کنگره اول سازمان جوانان کمونیست روز شنبه با سرود انترناسیونال و سخنرانی افتتاحیه دبیر سازمان شروع و با سخنرانی آذر مدرسی رئیس هیئت دبیران حزب کمونیست کارگری ایران ادامه یافت. سپس آئین نامه و دستور جلسه کنگره به تصویب رسید. دستور جلسه شامل گزارش کار دوره گذشته، بحث پیرامون گزارش، قطعنامه در باره جنبش جوانان و سازمان جوانان کمونیست، تصویب اسناد پایه ای سازمان از جمله یک دنیای بهتر برنامه حزب کمونیست کارگری، بیبانیه و اصول سازمانی، قرارهای پیشنهادی و انتخابات کمیته مرکزی بود. روز سوم کنگره به گفت و شنود با رهبری حزب اختصاص داشت. در این جلسه اعضای رهبری حزب به سوالات شرکت کنندگان در کنگره پاسخ دادند.

یک مشخصه مهم کنگره اول سازمان جوانان کمونیست دخالت پرشور اعضا و فعالین سازمان در بحثهای کنگره، اعلام آمادگی برای دخالت جدی سیاسی در روند پرتلاطم اوضاع

## انترناسیونال هفتگی را در ایران و خارج تکثیر و پخش کنید

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت  
www.wpiran.org  
www.wpibriefing.com  
www.rowzane.com  
www.hambastegi.org  
www.childrenfirstinternational.org  
www.jawanan.org  
www.iwsolidarity.com  
www.medusa2000.com  
www.marxsociety.com  
www.kwvpiran.org

Bank Account:  
Z.I. Konto:  
520 5164 008  
BLZ: 10090000  
Beliner Volksbank  
Germany

Website:  
www.haftegi.com  
Email:  
haftegi@yahoo.com  
Fax: 0044-8701207768

Address:  
BM Box 8927  
London  
WC1N 3XX  
England